

# اَبَرشغل های آینده

نویسنده: ریچارد دبلیو سامسون

ترجمه: فرخنده ملکی فر

malekifar\_f@iranasef.org

## چکیده

به تدریج که به ژرفای عصر اطلاعات و دانایی نزدیک می‌شویم و مشاغل سنتی از بین می‌روند، ما برای این که بتوانیم جای مناسبی در بازار کار بیابیم و در «اقتصادهای ایرانی» بهره‌ور باشیم، باید به سوی مهارتهایی برویم که قابل ماشینی‌شدن نباشند. در بسیاری از موارد، افراد به دنبال شغل‌های موجود نخواهند رفت، بلکه آنها را با تعریف مسئله‌هایی که با مهارتهای ایرانی‌شان قابل حل باشد، ابداع خواهند کرد؛ مهارتهایی مانند اکتشاف، خلاقیت و تاثیرگذاری.

سه حوزه کلیدی برای طراحی ابرشغل‌های آینده (HYPER JOBS) عبارتند از: انرژی، دست‌کاری مواد و احیای انسان.

در حوزه انرژی، بویژه ترویج اقتصاد بدون نفت و کسب‌وکار انرژی‌های جایگزین می‌تواند دستمایه طراحی ابرشغل‌ها باشد. به برکت پیشرفت علم و فناوری، هیچ‌یک از صنایع آینده از دست‌کاری مواد در امان نخواهند بود و این نیز به نوبه خود یعنی انبوهی از فرصت‌ها برای طراحی ابرشغل‌ها. گذشته از همه اینها، ما انسانیم و باید از کار و زندگی لذت ببریم و بنابراین، شادابی روانی یا بهبود آن نیز حوزه وسیعی است که در آینده میزبان ابرشغل‌های جدید خواهد بود. این ابرشغل‌ها، افزایش شادابی روانی و حیات روحانی انسانها را نشانه خواهند گرفت و به انسانها کمک خواهند کرد تا توانمندیهای ایرانی‌شان را تقویت کنند.

نوشتاری که پیش رو دارید، می‌کوشد با تبیین ویژگیهای ابرشغل‌ها و حوزه‌های اصلی ظهور آنها، چهار اصل کلیدی طراحی ابرشغل‌ها را نیز برملا کند.

روزگار مشاغل سنتی سپری شده است. اما گونه‌های بسیار جدیدتر و بهتری از شغل‌ها در شرف پیدایش هستند: ابرشغل‌ها. «ابرشغل‌ها» به گونه‌های کاملاً جدیدی از کار اطلاق می‌شود. این شغل‌ها، مهارت‌ها و تواناییهای منحصربه‌فرد و غیر قابل ماشینی‌شدن انسان را تقویت می‌کنند، و پیشران جامعه جهانی در حال ظهور به شمار می‌آیند. فناوری به خودی خود، «قاتل» مشاغل است. منظور اصلی از به‌کارگیری ابزارها، ماشین‌ها و سامانه‌ها این است که کارها ساده‌تر، سریعتر و بهتر از آنچه که انسان بدون ابزار می‌تواند، انجام شوند. کارکنان یقه‌سفید (آنهایی که در دفاتر مرکزی اداره‌ها و شرکتها کار می‌کنند) ممکن است خیلی نگران نباشند، اما مشاغل خدماتی آنها - که اتفاقاً نیازهای فنی و فکری پیچیده‌ای دارند - در معرض حملات تازه‌ی فناوری قرار گرفته‌اند.

می‌رسند.

«کارکنان دانشی» هم‌چون طراحان نرم‌افزار نیز با انقراض به وسیله ماشین‌ها روبه‌رو هستند. طراحی نرم‌افزار احتمالاً بیش از سایر مشاغل فنی قابلیت خودکارشدن دارد. ابزارهای برنامه‌نویسی، پیوسته به‌گونه‌ای ساخته می‌شوند که بهره‌وری برنامه‌نویسان را بالا ببرند. در مقایسه با گذشته، امروزه افراد کمتری برای نوشتن یک برنامه نرم‌افزاری معین لازم است.

روندهای اجتماعی نیز روی درآمد بالقوه طراحان نرم‌افزار تاثیر می‌گذارند. به‌عنوان مثال، «جنش منبع باز» که روز به روز محبوبتر می‌شود، هم‌اکنون پیش‌تازی مایکروسافت را در طراحی سیستم‌های عامل و نرم‌افزارهای تجاری، مانند واژه‌پرداز، هدف قرار داده است. این شرایط برای مردم، بسیار عالی است، اما برنامه‌نویسان منبع باز اغلب برای کارهایی که انجام می‌دهند مزدی دریافت نمی‌کنند. آنها بدون دریافت دستمزد، روی برنامه‌های منبع باز کار می‌کنند، چون شغل اصلی‌شان چیز دیگری است. سوال این‌جاست که اگر جنش منبع باز با همین شتاب جلو برود و شرکت‌هایی مثل مایکروسافت را هم درنوردد، چه آینده‌ای در انتظار شرکت‌های نرم‌افزاری خواهد بود؟

فرقی نمی‌کند در چه سطحی از آموزش و قدرت فکری باشیم ... یقه سفیدها، آنطور که ما می‌شناسیم و در ادارات و شرکتها می‌بینیم، به گونه‌های در حال انقراض پیوسته‌اند!

مشاغل ایرانی‌ساز، قاعده‌شکنی خواهند کرد. در آینده، افرادی که در این مشاغل قرار می‌گیرند، تا جایی که بتوانند از نیروها و ظرفیت ماشین‌ها استفاده خواهند کرد تا بتوانند شایستگیهای غیر قابل ماشینی‌شدن خود را تقویت کنند و تنها به کارهایی بپردازند که ماشین‌ها در آن حرفی برای گفتن ندارند.

## ویژگیهای ابرشغل‌های جدید

ویژگی اصلی و حیاتی یک ابرشغل این است که باید به وسیله موجودی انجام شود که زنده است و زنده عمل می‌کند؛ کسی که دارای شعور است و نسبت به این شعور

ما هرروز نشانه‌های جدیدی مبنی بر نابودی مشاغل خدماتی در سازمانها و شرکتها دریافت می‌کنیم. منشی‌های پاسخگوی تلفن با سامانه‌های تشخیص صدا و پاسخ، بلیت‌فروشان فرودگاه‌ها با کیوسک‌های صدور بلیت، و وظایف مدیران میانی با نرم‌افزارهایی جایگزین می‌شوند که روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند.

فکری‌ترین و فنی‌ترین شغل‌ها نیز در فهرست قربانیان قرار دارند. به‌عنوان نمونه، شغل‌هایی چون تدریس در دانشگاه و طراحی نرم‌افزار را در نظر بگیرید که از شغل‌های خوب و باکلاس دنیای امروز به شمار می‌آیند. دانشگاه‌های مفلس، هزینه به‌کارگیری استادان را با استفاده از استادیارها و برنامه‌های آموزش از راه دوری که کارایی علمی مدرسان را افزایش می‌دهند، پایین می‌آورند. به زودی سامانه‌های آموزشی تمام‌رایانه‌ای، در بعضی از حوزه‌ها از راه

خودآگاهی دارد.

اگر مانند یک روایت عمل کنی، ریسک جایگزین شدن با آن را پذیرفته‌ای.

دو گروه شغل را در نظر بگیرد: جراح و پرستار. در حال حاضر روایتی به اسم پنه‌لویه وجود دارد که در مواقع اضطرار می‌تواند جای پرستار کمکی را بگیرد.

این دستگاه در سال ۲۰۰۵ در یکی از بیمارستانهای نیویورک با موفقیت آزمایش شد. با توجه به این‌که بیمار، بی‌هوش است و تیم جراحی درخواستهای کاملاً مشخصی دارد، شغل پرستار کمکی هشیاری چندانی نمی‌خواهد. پنه‌لویه براحتی می‌تواند بدون هیچ‌گونه هوشیاری از عهده وظایف پرستار کمکی برآید.

کارهای جراح نیز هشیاری زیادی نمی‌خواهد. یک جراحی ساده را در نظر بگیرد که پیشامدهای نامطلوبی که ممکن است حین آن به وجود آید، از قبل شناخته شده‌اند. روایت‌ها متداولترین جراحان آینده خواهند بود و ما از امروز نشانه‌های آن را می‌بینیم.

ابرسغلهای نوظهور، چندان بر مهارتهای ماشینی مثل تندشماری یا تصمیم‌گیری قانون‌مند اتکا نخواهند داشت. به‌عکس، بر مهارتهایی متکی خواهند بود که ورای فنآوریهای دیجیتال امروز و شاید فردا هستند.

ابرسغلهای بر پایه‌ی پنج «مهارت زنده» کلیدی و سه مهارت کمکی شکل می‌گیرند. مهارتهای زنده عبارتند از:

۱. **اکتشاف:** به معنای پیدا کردن «چرایی»های علم، زندگی و کسب‌وکار.
۲. **خلاقیت:** یعنی شکل‌دادن به چیزی نو در ذهن.
۳. **پیاده‌سازی:** یعنی چیدن میوه‌های خلاقیت در دنیای واقعی؛ یعنی توانایی اجرای یک طرح یا نقشه.
۴. **تاثیرگذاری:** به معنای تعامل با دیگران در جهت الهام‌بخشی، جهت‌دهی، و توانمندسازی آنان؛ آنچه که در حد عالی آن از یک رهبر انتظار می‌رود.
۵. **فعالیت‌های بدنی:** یعنی تعامل هشیارانه با ابزارها یا بدن. مهارتهای کمکی که پشتیبان مهارتهای

کلیدی به‌شمار می‌آیند، عبارتند از:

۱. **مهارتهای ذهنی پایه:** مثل ادراک، طبقه‌بندی و ابراز احساسات.
۲. **تفکر نمادین و تفسیر:** شامل زبان، ریاضیات و بکارگیری نشانه‌های علمی.
۳. **مسئولیت‌پذیری:** شامل هشیاری جهانی، اخلاق و شعور مذهبی.

موفقیت شغلی در هزاره جدید به این بستگی خواهد داشت که افراد، زمینه‌های یادگیری خود را از جاهایی که فناوری الکترونیک و دیجیتال بهتر از پس آنها بر می‌آیند، به زمینه‌هایی انتقال دهند که انسان خودآگاه در آنها قوی‌تر است.

صاحبان ابرسغلهای بیشتر و قوتشان را به احضار ارواح خواهند پرداخت! کاری که در گذشته صرفاً برای افراد غیرمتعارفی مثل لئوناردو داوینچی و بنجامین فرانکلین به عنوان «کار» شناخته می‌شد. آنها بیشتر و عمیقتر از دیگران «آری!»های اکتشاف، «چرا نه؟»های خلاقیت، و «یافتم!... یافتم!»های ارشمیدسی را در ماجراهای بی‌باکانه تجربه خواهند کرد. افرادی که به ابرسغلهای رو می‌آورند، بیشتر و عمیقتر از دیگران با مردم ارتباط می‌گیرند و در هدف‌های مشترک بهتر و جامع‌تری مشارکت می‌جویند.

### تغییر در شکل و ماهیت کار

مفهوم «شغل» به معنای سنتی آن مرده است. مردم عادت کرده بودند برای خود «شغلی» داشته باشند؛ اما حالا به دلایل مختلف می‌خواهند هم‌زمان دو یا سه شغل داشته باشند. مردم عادت داشتند برای دیگران کار کنند و حالا بیشتر و بیشتر می‌خواهند برای خودشان کار کنند و فروشنده کالاها یا خدمات خودشان باشند. مردم عادت داشتند به عنوان «کارمند» برای رسیدن به هدفهایی تلاش کنند که «کارفرماها» تنظیم کرده بودند؛ حالا بیشتر و بیشتر می‌خواهند خودشان هدفهایی را تعیین کنند و یا در هدفهای مشترکی سهیم شوند. نسل جدید به شدت روی مهارتهای ایرانی‌سازی تکیه می‌کند.

در حالی که شرکتهای بزرگ همچنان خالق شغلهای جدیدی - بر پایه‌ی مهارتهای ایرانی‌سازی - خواهند بود، دیگر مانند گذشته،

استخدام فلّه‌ای نخواهند داشت. در قرن بیست و یکم، بیشتر افراد باید بیرون از چتر ایمن سازمانها و شرکتهای بزرگ، به دنبال راهی برای امرار معاش باشند.

### ابرسغلهای چه خواهند بود؟

شما چه دانشجو باشید، چه کارمند و یا صاحب کسب‌وکار، کافی است اندکی آینده‌اندیش باشید تا با اتبوهی از پرسشهای حیاتی در مورد شغل روبه‌رو شوید: جهان در پنج، ده یا بیست سال آینده به چه مشاغلی نیاز خواهد داشت؟ در میانه قرن، از من یا فرزندانم انتظار چه مهارتهایی خواهد رفت؟ به طور مشخص، چه شغلهایی پرطرفدار خواهند بود؟ به بیان دیگر، مشاغل ما در میانه قرن چه خواهند بود؟

گرچه دهها میلیون شغل جدید و بهتر از مشاغل سنتی پدیدار خواهند شد، اما خالق آنها شرکتهای نخواهند بود، خود افراد آنها را ایجاد خواهند کرد. اینها شغلهایی نخواهند بود که کسی به شما پیشنهاد کند، بلکه خودتان باید آنها را «اختراع» کنید - شغلهایی که در آنها شما مسئله‌ای حیاتی را حل می‌کنید و یا کارهایی که تنها شما شایستگی انجام آن را دارید و دیگران در قبال آن به شما مزد خواهند داد.

به‌طور مشخص، در بعضی از حوزه‌ها فریاد استمداد برای ارایه راه حل با صدای بلند شنیده خواهد شد. این حوزه‌ها درست همان جاهایی هستند که بیشترین شغلهای پرطرفدار را خواهند داشت:

### • ابرسغلهای در حوزه انرژی

امروزه بیشتر انرژی مصرفی ما از نفت به دست می‌آید، اما نفت بالاخره روزی تمام خواهد شد. بسیاری اعتقاد دارند تولید جهانی نفت، هم اکنون به اوج خود رسیده، یا حداکثر تا بیست سال دیگر خواهد رسید. در سالهای آینده، قیمت نفت و تمام چیزهایی که با آن به‌کار می‌افتند یا ساخته می‌شوند، بسیار بالا خواهد رفت. کمبود سوخت، همه‌چیز را - از تولید گرفته تا تجارت و حمل‌ونقل - مختل خواهد کرد، چه رسد به اقتصاد جهانی و ثبات سیاسی. توکیو، ساوپائولو، یا نیویورک را فقط یک

می‌دهد که مشتریان پروپاقرص فراوانی خواهند داشت؛ فرصتهایی مثل مربی‌گری زیست‌زیبایی، یک پارچه‌سازی بدن انسان و الکترونیک، برنامه‌ریزی برای ورزشی و بهینه‌سازی ژنوم افراد. برای خلق ابرشغلایی که آنها را می‌جویند، با کسانی که مانند شما فکر می‌کنند، شبکه شوید.

۳- پیکربندی دوباره بوم‌شناسی انسان و کره زمین: دستکاری در مواد تا جایی پیش خواهد رفت که بتواند دو قاتل کشاورزی را براندازد: آلودگی و پراکندگی جمعیت. زمین دارد زیباله‌دانی‌کننده‌ای می‌شود که به اشغال غریبه‌های ستیزه‌جو در آمده است. چالش این است که آن را تبدیل به باغ روینده‌ای کنیم که توسط جامعه‌های سالم و هم‌سو و هماهنگ پرورش یافته است. اگر اقتصادهای ملی امروز می‌خواهند بر جا بمانند، لازم است مهار آلودگی در دهه‌های آینده به یک صنعت عظیم تبدیل شود. بنابراین، شرکتها و صنایع باید تشویق شوند به جای این مسموم‌سازی کره زمین، فرآورده‌های صنعتی و غذایی و وسایل حمل‌ونقل را به‌گونه‌ای طراحی کنند که هماهنگ با طبیعت باشند.

این گامهای ضد آلودگی، باید با تدابیر ضد از هم‌پاشیدگی، دست در دست جلو بروند. فروپاشی جامعه، آلودگیهای اجتماعی‌ای ایجاد می‌کند که با آلودگیهای فیزیکی هم‌سانند و به گسترش آنها کمک می‌کنند. فروپاشی جامعه پیامدهایی منفی چون بزهکاری، اعتیاد و تروریسم را به دنبال خواهد داشت که به نوبه خود ضایعات و آلودگی‌های زیست‌محیطی را افزایش می‌دهند. روستاهای فقیر هندوستان و آفریقا، و حومه‌های شهری آمریکا، همگی شدیداً به طرح‌ریزی مجدد آگاهانه نیاز دارند.

● **ابرشغلا در حوزه «احیای انسان»:** برای اختراع یک ابرشغل و موفقیت در آن، اکثر ما باید خودآگاه‌تر، هدف‌مندتر، و شادابتر از آنی باشیم که در حال حاضر هستیم. به عبارت دیگر، ما باید «انسان‌تر» شویم. احتمالاً اکثر ما بر «شادابی روانی» یا بهبود آن، بیش از بقیه به عنوان یک هدف شغلی تمرکز می‌کنیم. ارتقای شادابی دیگران هم‌اکنون نیز یک حوزه شغلی وسیع را تشکیل می‌دهد و به نظر می‌رسد در سالهای

هفته بدون برق، حمل‌ونقل، یا ارتباطات تصور کنید! این اختلاهای گسترده و گوناگون، نیاز به مشاغلی مانند مشاغل پلیسی، پزشکی اورژانس و مشاغل نظامی را تقویت خواهند کرد. نیازهایی هم هستند که کمتر مشهودند، مثل مهارکردن انفجارها، اپیدمی‌ها، غارتها و نتایج اجتماعی - روانی برآمده از این‌گونه مشکلات. برخی مشاغل موجود مانند پژوهشگری و دانشگری در زمینه نانو یا مالکیت بانک‌ها و موسسات مالی - اعتباری نیز از تاثیرهای منفی این اختلاها برکنار نخواهند ماند، چراکه بدون نفت، اینترنت هم نخواهد بود و جایی که اینترنت نباشد، خیلی چیزهای دیگر هم وجود نخواهد داشت.

یک زمینه مهم، که می‌توانیم در آن به دنبال ابرشغلای طلایی و ثروت‌آفرین بگردیم، کمک به ترویج اقتصاد بدون نفت و شرکت در تلاشهای گسترده بین‌المللی برای ایجاد اقتصاد جهانی بدون نفت و حرکت به سوی «انرژی صوتی» است. انبوهی از ابرشغلای در این زمینه جدید صنعتی ظهور خواهند کرد. جدای از مشارکت مستقیم در کسب‌وکار انرژی‌های جایگزین، یکی از اولویتهای هر ابرشغل دیگری، پشتیبانی مالی از کسب‌وکارهای دیگری است که می‌خواهند جهان را از شر نفت خلاص کنند و به انرژی‌های تجدیدپذیر رهنمون شوند.

#### ● ابرشغلا در حوزه دستکاری مواد

تمام صنایع و بیشتر شغلای جدید، شامل دستکاری در مواد با استفاده از انرژی هدایت‌شده توسط هوش طبیعی است. ابرشغلا در حوزه دستکاری مواد به برکت پیشرفت علم، فناوری و دانش عمومی با سه تغییر انقلابی به پیش خواهند رفت:

۱. **ساختار دادن به ماده برای کار در سطوح میکرو و نانو:** یک انقلاب صنعتی تمام‌عیار و جدید در سطوح میکروسکوپی و پایین‌تر از آن در حال آغاز است؛ جایی که در آن می‌توان روی اتم‌ها یا مولکول‌های منفرد کار انجام داد. در پرتو این انقلاب نوظهور، تولید فرآورده‌های صنعتی و غذایی و مراقبتهای پزشکی دگرگون خواهد شد. همچنان که مشکلات بیشتری را - که با فناوری نانو قابل

**هیچکس به شما  
ابرشغلی را پیشنهاد نمی‌کند.  
این خود شما هستید  
که آن را با کاوش  
در مشکلات و فرصتهای تازه،  
اختراع می‌کنید.**

حل هستند - کشف می‌کنیم، ابرشغلای تازه‌ای در حوزه میکرو و نانو پدیدار خواهند شد. در این زمینه‌ها، شغلا لزوماً از پیش وجود ندارند و این شما هستید که از راه تعامل با پژوهشگران و فعالان این حوزه، باید شغلایی را اختراع کنید.

۲- **ارتقای وضعیت جسمانی انسان:** ارتقادهنده‌های مکانیکی کنونی، مانند لنزهای چشمی، مواد پرکننده دندان، دستگاههای تنظیم ضربان قلب و سمعک، احتمالاً در سالهای آینده به سامانه‌های دیگری خواهند پیوست که تنها برای جبران کاستیهای فیزیکی بدن طراحی نشده‌اند، بلکه برای توسعه و ارتقای وضعیت جسمانی انسان ساخته شده‌اند. به عنوان مثال، لنزهای چشمی و بافت مصنوعی حلزونی که به عنوان رابط با شبکه جهانی اینترنت Bio-Microelectromechanical Systems, Bio-Nanoelectromechanical Systems به کار می‌روند، بدن را با نشاط نگه می‌دارند و روند سالخوردگی را معکوس می‌کنند. رایانه‌های «بیونانو» که با هدف تقویت حافظه به بدن پیوند زده می‌شوند و تواناییهای شناختی ما را ارتقا می‌دهند نیز در این رده قرار می‌گیرند. حوزه‌های تحقیقاتی زیست‌شناسی و مراقبتهای پزشکی عمیقاً با الکترونیک و طراحی نرم‌افزار، پیوند خواهند خورد. بهبود قابلیت‌های زیست‌شناختی انسان، حوزه وسیعی از فرصتهای ابرشغلی را نوید

پرسشها بود که مسیر شغلی جدیدی را پیدا کرد.

همچنان که تحولات فنی، اقتصادی، و اجتماعی سرعت می‌گیرند، ما مجبور می‌شویم مهارت‌های اندیشیدن و بازآفرینی مان را نیز نوتر کنیم.

نکته سوم اینکه شغل جدید او، شغلی از پیش شناخته شده و مصوب نبود! در هیچ دیکشنری اقتصادی یا شغلی، شما پزشک رایانه را پیدا نمی‌کنید. علاوه بر این، وقتی در دو پایگاه داده شغلی معروف - Monster.com و hotjobs.com - عبارت «پزشک رایانه» را جست‌وجو کردم، هیچ فهرست مستقلی پیدا نشد. اما وقتی همین عبارت را در گوگل جست‌وجو کردم، به ۴۰۴۰۰ صفحه رسیدم.

این نشان می‌دهد که بسیاری دیگر نیز به این نیاز پی برده‌اند و دارند به این حرفه کشیده می‌شوند. امروزه دورنمای فرصت‌های شغلی به قدری سریع تغییر می‌کند که دیده‌بان‌های دولتی، و یا حتی شرکت‌های بزرگی را که معروف به ابداع شغل‌های جدید هستند، جا می‌گذارد. بهترین فهرست مشاغل، موتورهای جست‌وجو و اخبار روزانه است.

و بالاخره نکته چهارم اینکه آقای مشاور در خط مقدم ذهن و رفتار، مسئولیت‌پذیرانه عمل کرد. کلید موفقیت او در نقش یک پزشک رایانه، قابل اعتماد بودن بود. او می‌گوید «مردم به این دلیل به من مراجعه می‌کنند، که نه فقط می‌توانم رایانه‌هایشان را درست کنم، بلکه به این خاطر که من از آن آدم‌هایی هستم که اگر یک وقت با خانواده‌شان در منزل تنها بمانم، نگران نیستند».

مثال بالا، نمونه‌ای از خلق یک شغل از هیچ است. آنچه وجود داشت فقط یک «تقاضای پنهان» بود که تنها یک چشم تیزبین می‌توانست آن را ببیند. البته راه دیگری هم برای ابداع شغل جدید وجود دارد: شغل فعلی‌تان را اصلاح کنید.

### تبدیل یک شغل موجود به یک ابرشغل؛ چگونه

دهها میلیون ابرشغل قابل ابداع است، چرا که هر شغلی را می‌توان به یک ابرشغل تبدیل کرد. فرایند آن بسیار ساده، و متشکل

همه مشاغل سنتی فعلی می‌توانند تبدیل به ابرشغل‌ها شوند، به شرط آنکه متصدی شغل، نوآور و خلاق باشد.

که سخنران‌های خبلی پرطرفدارند. وقتی حساب فناوریهای برتر ترکید، همان‌طور که مشتریانی مثل ای‌تی‌اندتی و سیسکو ناگهان تغییر مسیر دادند، درآمد او هم فرو افتاد، و دیگر کسی سخنرانی او را به هیچ هم نمی‌خرید. حالا باید چه کار می‌کرد؟ به پیرامونش نگاهی انداخت و دریافت که تعداد زیادی از همسایگان با ویروس‌ها و پیچیدگیهای فزاینده سیستم‌های عامل، مشکل دارند. آنها از او می‌پرسیدند که آیا می‌تواند کمکی بکند؟ او بلافاصله یک شغل جدید را دیده بود: او می‌توانست پزشک رایانه‌ها شود!

در این داستان، چهار نکته جالب توجه وجود دارد. اول این که آقای مشاور به این نکته پی برد که در شرکت‌های بزرگ، انعطاف‌پذیری و امنیت خاطری که او می‌خواهد، وجود ندارد. بنابراین، شغل کارمندی را رها کرد و به خوداشتغالی روی آورد. منتظر باشید که این اتفاق برای شما هم در آینده بیفتد: چتر حمایتی سازمان یا شرکتی که در آن کار می‌کنید، در آینده چندان قابل اطمینان نخواهد بود.

نکته دوم این است که وقتی آقای مشاور با رکود کسب و کارش روبرو شد، دوباره از پایه شروع کرد و خلاقیتش را به کار انداخت. او پرسید: «من چرا اینجا هستم؟ در انجام چه کاری خوب هستم؟ چه مشتریان جدیدی به من نیاز دارند؟» و به دنبال همین

آینده نیز گسترش خواهد یافت، چرا که تقاضای بسیار بالایی دارد.

ارتقای شادابی، حرفه‌هایی از این دست را در برمی‌گیرد: آموزش، مربیگری، و البته پرورش فرزندان. این حوزه هم‌چنین مشاغل روحانی، بازیگری در تئاتر و سینما، جامعه‌شناسی و روانشناسی را هم شامل خواهد شد. وقتی مشاغل کنونی در حوزه ارتقای شادابی و حیات روحانی انسان تبدیل به ابرشغل شوند، آرایه کاملی از مهارت‌های ابرانسانی - اکتشاف، خلاقیت، پیاده‌سازی، تاثیرگذاری و فعالیتهای بدنی - را برای خدمت هرچه بهتر به مشتری مورد استفاده قرار خواهند داد.

ارتقای شادابی، اگر شغل اصلی نباشد، یک «شغل جنبی» برای هر ابرشغل خواهد بود، چراکه شادابی مانند اکسیژن برای بقای هر واحد صنعتی، تجاری، آموزشی و ... لازم است.

همه ابرشغل‌ها، از آموزش و مشاوره گرفته تا نمایش، هدف مشترکی را دنبال می‌کنند: کمک به دیگران برای ارتقای توانمندیهای ابرانسانی‌شان که عبارتند از:

- فهمیدن چرایی‌ها از طریق اکتشاف.
- آفرینش ایده‌های نو از طریق خلاقیت.
- تاثیرگذاری مثبت بر دیگران، به کمک مجموعه‌ای از مهارت‌های اجتماعی که از شریکیابی و ارتباط تا مذاکره و رهبری را در می‌گیرد.
- استفاده درست و بیجا از «بدن» سالم خود و انجام کار از طریق فعالیتهای گسترده‌ای چون باغبانی، بازیگری، طبخ غذا و ...

### چگونه یک ابرشغل اختراع کنیم؟

هیچکس به شما ابر شغلی را پیشنهاد نمی‌کند. این خود شما هستید که آن را با کاوش در مشکلات و فرصت‌های تازه، اختراع می‌کنید. داستانی نقل می‌کنیم از کسی که واقعاً این کار را انجام داد.

اوایل دهه ۱۹۹۰، یک کارشناس ارتباطات راه دور از کارش در شرکت ای‌تی‌اندتی کناره گرفت و یک مشاور مستقل شد. اندکی بعد درآمدش سر به فلک کشید. او از شهامت و انعطاف‌پذیری تازه‌ای که به دست آورده بود لذت می‌برد و متوجه شد

از دو گام است:

**گام اول:** شغل فعلی را تا جایی که می‌توانید «خودکار» کنید. با استفاده از کاغذ، اصلاح رویه‌ها یا هر ابتکار دیگری که می‌توانید به خرج دهید، بخشی از شغل را به رایانه بسپارید. تنها در این صورت می‌توانید از شر انجام دادن این همه کار خلاص شوید. در واقع، دارید به یک رویات می‌گویید که بیاید و شغل شما را تصاحب کند: «تو استخدام شده‌ای و کاری که از تو می‌خواهم انجام دهی این است».

**گام دوم:** جنبه‌های ابرانسانی شغل خود را توسعه دهید. فهرست پنج مهارت اصلی و سه مهارت کمکی را مرور کنید. ببینید در کدام جنبه از شغل خود می‌توانید خلاقیت بیشتری به کار بگیرید، یا کشف کنید که چرا بعضی چیزها درست عمل نمی‌کنند، یا تاثیرگذاریتان را از طریق ارتباطات موثرتر بهبود بخشید. تصور کنید که مسئولیت‌پذیرتر شده‌اید، یا کیفیت مسئولیت‌هایتان را با دادن قولهای شرافتمندانه‌تر بالاتر برده‌اید.

همه ما نمی‌توانیم و قرار هم نیست که پژوهشگر نانو بشویم. جهانی که ما می‌خواهیم و می‌سازیم، برای همه‌ی خلق‌وخواها و سلیقه‌ها اتاقی دارد: کسانی که دوست دارند بیش از آنکه از مغزشان کار بکشند، با دست‌هایشان کار کنند یا آنهایی که از کار کردن با آدمهای جدید، بیش از سروکله زدن با ایده‌های جدید لذت می‌برند. ابرشغل‌های آینده، همه این تفاوتها را در بر می‌گیرد. تمام مهارت‌های ابرانسانی - حتی آنهایی که با اشیا سرو کار دارند - از خطر ماشینی شدن در امانند؛ به شرطی که با خودآگاهی دنبال شوند.

حتی اگر شغلی کاملاً ماشینی شود، متصدی آن در صورتی که بخواهد می‌تواند با استفاده از رویکرد دو گامی زیر، آن را از نو احیا کند و این بار به صورت یک ابرشغل. این وضعیت برای بسیاری از کسانی که در مشاغل اداری و مالی و پشتیبانی کار می‌کنند، پیش می‌آید که اگر هوشمندانه عمل نکنند، ممکن است شغل خود را کاملاً از دست بدهند. در گام اول، متصدی شغل باید هماهنگ با جریان خودکارسازی پیش برود و راههایی بیابد که با آن بتوان کار را

با زمان و تلاش کمتری انجام داد. او از این طریق به مدیریت سازمان در خودکارسازی شغلی و بهره‌گیری از فناوریهای پیشرفته کمک می‌کند. سپس متصدی (در صورتی که هنوز شغلش را از دست نداده باشد) باید از وقت‌های خالی خود برای تقویت مهارت‌های ابرانسانی‌اش استفاده کند. او باید صمیمیت و سودمندی‌اش را برای مشتریان شرکت تقویت کند، و از مدیرش بخواهد که وظیفه‌ها و مسئولیت‌های بیشتری را به او بسپارد. از قدرت اکتشاف و خلاقیتش برای حل مسائل مشکل‌زا در کسب‌وکار یاری بگیرد و تلاش کند تا راه‌حلهای تازه‌ای ارائه دهد.

همه مشاغل فعلی - از صندوق‌دار گرفته تا مدیرعامل و از حسابدار گرفته تا جانورشناس - می‌توانند روی نردبان ابرشغل بالاتر بروند. نوآوریها بیشتر سراغ کسانی می‌روند که اشتیاق بیشتری به دگرگونی دارند: خود صاحبان مشاغل.

#### ابرشغلها سر بر می‌آورند

ابرشغل‌های آینده ممکن است کاملاً نو یا نسخه بهبودیافته شغل‌های کنونی باشند و به احتمال زیاد از نظر کیفی با شغل‌های امروزی کاملاً متفاوتند و روی مهارت‌های ابرانسانی تمرکز بیشتری دارند.

#### برنامه‌ریزی ابرشغلی

برای کسانی که می‌خواهند یک ابرشغل شایسته و ثروت‌آفرین را هدف بگیرند، پیروی از پنج گام زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. **تصمیم بگیرید کدامیک از مهارت‌های ابرانسانی - اکتشاف، خلاقیت، پیاده‌سازی، تاثیرگذاری، و فعالیت‌های بدنی - بیشتر با شما تناسب دارند.** کارآموزی و خلق شغل‌تان را حول همین محور برنامه‌ریزی کنید، نه روی یک تخصص سنتی مثل مهندسی شیمی یا ادبیات انگلیسی. دانش تخصصی، گرچه هنوز مهم است، اما در مقابل مهارت‌های ابرانسانی که پایا و غیر قابل ماشینی شدن هستند، کم می‌آورد.

۲. **تعیین کنید بر چه ماموریتی و در چه حوزه‌ای می‌خواهید تمرکز کنید.** تصمیم بگیرید می‌خواهید با کدام حوزه مشکل‌خیز و پر از مسائل حیاتی گلاویز شوید: انرژی،

دستکاری مواد، یا احیای انسان. باید حوزه‌ای را بیابید که هم با علائق شما سازگار باشد و هم گره‌ای از مشکلات مشترک بشر بگشاید. آنچه اهمیت دارد این است که شما بهترین و بیشترین سعی ممکن را به عمل آورید تا استعداد‌های خود را در مسیر درست به کار اندازید.

۳. **دستمزد مناسب را در نظر بگیرید.** اگر پول و درآمد برای شما مسئله است، احتمالاً مجبور خواهید شد بیشتر جست‌وجو و مذاکره کنید، اما پول نباید شما را از ماموریت اصلی‌تان - مشارکت در حل مشکلات مشترک بشریت - منحرف کند. تقریباً همه شغلها، حتی پیش پا افتاده‌ترین آنها، می‌توانند با تزریق انرژی ابرانسانی به حرفه‌ای ارض‌کننده و ارزشمند تبدیل شوند. اگر می‌توانید، هم‌زمان بر دو یا سه شغل متمرکز شوید. از قالب‌های نامتعارف همکاری و مشارکت استفاده کنید.

۴. **با داشتن چند شغل، انعطاف‌پذیرتر شوید.** فرایند دو گامی پیش‌گفته را در نظر داشته باشید: خودتان را از هر فعالیتی که می‌تواند ماشینی شود خلاص کنید. سپس روی تقویت مهارت‌های ابرانسانی‌تان تمرکز کنید. ابرشغلها سریعتر از شغل‌های امروزی رایج می‌شوند و از رونق می‌افتند. بهتر این است که مثل آچار فرانسه در همه‌چیز استاد شوید و آن را خودکار کنید، سپس سراغ پیگیری هدف کلی‌تان بروید.

۵. **در تغییرات اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی مشارکت کنید.** اقدام‌های فردی، هرچند حیاتی باشند، در خلاء جواب نمی‌دهند. موفقیت شخصی و رفاه، ما را از فروپاشی اجتماعی نجات نخواهد داد. □

#### منبع:

W,SAMSON, RICHARD, FUTURE CAREERS: THE HIGH - POTENTIAL JOBS OF TOMORROW.

● ریچارد دبلیو سامسون، نویسنده و مدیر موسسه ارانوا (ERANOVA) است. تخصص او در مهارت‌های ذهنی، اثربخشی و بهره‌وری انسانی است. او مدل ذهنی DARE را طراحی کرده است که آگاهی فرد را نسبت به افکار، اقدامات، واکنشها و نگرشهای او بالا می‌برد و از این طریق توانایی او را در تمرکز و انجام کارها بالا می‌برد. او کتابی با موضوع ابرشغلها در دست‌انشار دارد که نوشتار حاضر، خلاصه‌ای از آن است.